

تأثیر بی‌ثباتی درآمد مالیاتی دولت از شرکت‌ها، بر رشد اقتصادی ایران، ۱۳۷۲-۱۳۹۳

مصطفی رجبی^{۱*} ستاره زنده دل شندی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۷، تاریخ بازنگری: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۹

چکیده

درآمد های مالیاتی، منبع تأمین مالی و ابزار سیاست مالی جهت رسیدن به هدف های اقتصادی دولت می باشد. نوسان ها و بی ثباتی های این درآمد باعث می گردد که دولت در برنامه ریزی ها متکی به یک منبع نامطمئن شده و در دستیابی به اهداف برنامه ای و بلند مدت، با مشکل مواجه گردد. به همین جهت این پژوهش بدنبال تحلیل تأثیر بی ثباتی درآمدهای مالیاتی دولت از محل مالیات بر شرکت‌ها^۳ بر رشد اقتصادی در ایران می باشد. برای رسیدن به هدف ابتدا در یک الگوی رگرسیونی و با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته، اثر متغیرهای مختلف بر درآمد مالیاتی شرکت‌ها بررسی و تغییرات خطاهای آن، به عنوان بی ثباتی درآمدهای مالیاتی در مدل رشد و به روش الگوی خودرگرسیونی با وقفه های توزیعی، برازش گردید. جهت برازش الگوها، داده های مربوط به متغیرها به صورت فصلی و برای دوره ی: ۱۳۹۳-۱۳۷۲ از درگاه اینترنتی بانک مرکزی ایران استخراج گردید. نتیجه ی بدست آمده نشان می دهد که در کوتاه مدت، درآمد مالیاتی ناشی از مالیات بر شرکت‌ها در دوره ی اول اثر منفی و در دوره های بعدی رفتار متفاوتی را بر رشد اقتصادی داشته است. در بلند مدت اثر بی ثباتی درآمد مالیاتی شرکت‌ها، نشان از اثر منفی بر رشد اقتصادی با سطح معنی داری آماری را دارد.

واژگان کلیدی: درآمد مالیاتی، رشد اقتصادی، بی ثباتی، الگوی خود رگرسیونی با وقفه های توزیعی.

۱. استادیار، گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر

۲. کارشناسی ارشد اقتصاد، توسعه و برنامه ریزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر

۱- مقدمه

مالیات به لحاظ اثرات گسترده خود در اقتصاد همواره مورد توجه تحلیل گران اقتصادی بوده است. کلاسیک ها به لحاظ عدم اعتقاد به دخالت دولت ها در اقتصاد، درآمد های مالیاتی را تنها برای تأمین مخارج دولتی در نظر می گرفتند که وظیفه ی چندانی در اقتصاد نداشت. لذا اثرهای مالیات بر اقتصاد تنها در حوزه خرد اقتصادی بررسی می گردید. بنابراین به نوسان در درآمدهای مالیاتی نیز اهمیت چندانی نمی دادند. ولی با گسترش وظایف دولت ها، نه تنها بایستی منبعی برای تأمین مالی این فعالیت ها در نظر می گرفتند، بلکه تأثیرات گسترده ای که بر اقتصاد دارند و تغییرها و نوسان های آن را که می توانستند دیگر متغیرهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند، مورد توجه قرار دهند.

گسترش تعهدهای دولت در عرصه اقتصادی، اجتماعی و تلاش برای تحقق اهدافی همچون رشد اقتصادی، ثبات قیمت ها، افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد، هزینه های دولت ها را با روندی صعودی مواجه نموده است. تأمین مالی چنین هزینه هایی نیازمند منابع درآمدی کافی است. در بودجه کشورهای صادر کننده نفت، درآمدهای حاصل از صادرات نفت و فرآورده های آن به عنوان بزرگ ترین منبع درآمد غیرمالیاتی به شمار می آید. شواهد اقتصاد ایران نیز نشان دهنده آن است که درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام و فرآورده های نفتی بخش قابل توجهی از درآمد دولت را تشکیل می دهد که وابستگی بودجه و درآمد دولت به دلارهای ارزی همواره عواقب منفی را برای اقتصاد به دنبال داشته است (شفیعی و صبوری دیلمی، ۱۳۸۸، ۳).

در مقابل درآمدهای غیر مالیاتی، درآمدهای مالیاتی قابل قبول ترین و مناسب ترین نوع آن از نظر اقتصادی است. به طوری که در بسیاری از کشورها درآمدهای مالیاتی در مقایسه با سایر منابع مهم درآمدی از اهمیت بیشتری برخوردار است. همچنین مالیات در جهت اجرای سیاست های اقتصادی اعم از توزیعی، مالی و حتی هدایت اقتصاد در مسیر اهداف کلان اقتصادی مانند تثبیت اقتصادی، ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی ابزاری کارآمد به شمار می آید. به عبارت دیگر مقایسه این منبع مهم با سایر منابع حاکی از آن است که هر چه سهم مالیات ها در تأمین مخارج دولت بیشتر باشد آثار نامطلوب اقتصادی به میزان قابل توجهی کمتر خواهد بود. به همین دلیل در کشورهای پیشرفته برخلاف کشورها در حال توسعه مالیات ها در تأمین مخارج دولت نقش به سزایی دارند و به طور تقریبی قسمت عمده مخارج دولت از این طریق تأمین می گردد. همچنین، علاوه بر تأمین مالی دولت در جهت نیل به اهداف سه گانه خود یعنی تخصیص منابع، توزیع درآمد و ثبات اقتصادی می تواند از اهرم مالیات استفاده نماید (مجتهد و احمدیان، ۱۳۸۷، ۱۱).

از طرف دیگر درآمدهای مالیاتی از طریق تأثیر گذاری بر طرف عرضه و تقاضای اقتصاد می تواند تولید و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین نوسان ها و بی ثباتی های درآمدهای مالیاتی نیز

می‌تواند موجب نوسان در تولید و رشد اقتصادی گردد. چنانچه این نوسان‌ها منجر به بی‌ثباتی در دریافتی‌های دولت گردد، از طریق بی‌ثباتی در مخارج دولت، و همچنین کانال تأثیر گذاری مالیات‌ها بر تخصیص منابع، تولید و رشد نیز با نوسان روبرو خواهند شد.

تأثیر بی‌ثباتی مالیات بر سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه^۱ هم از دیدگاه تولیدکنندگان و هم از دید دولت نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. این مورد بیشتر از طریق معافیت‌های مالیاتی (و یا به عبارتی مخارج مالیاتی)^۲ بروز می‌کند. در حقیقت در بسیاری موارد معافیت‌های مالیاتی در بخش‌های مولد می‌تواند محرک افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها باشد. به طور کلی اینکه مالیات و نرخ آن چگونه از طریق تحقیق و توسعه می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر بگذارد، از یکطرف به اثر مالیات بر هزینه‌های تحقیق و توسعه در بنگاه‌ها و هدایت آن به سمت و سوی نوآوری‌ها بستگی دارد. ممکن است بدلیل استفاده از این سیاست مالیاتی به عنوان یک رانت، هیچ تأثیری بر رشد نداشته باشد (مارتین و فردمنش^۳، ۱۹۹۱).

از دید الگوهای رشد، متغیر مالیات در "الگوهای رشد درون‌زا" وارد گردید (اسکولی^۴، ۱۹۹۵). الگوهای رشد درون‌زا، معتقدند که ساز و کارهای درونی یک اقتصاد (همانند آموزش، سطح مناسبی از علم و مهارت، در نهایت متغیری مانند مالیات‌ها) در رشد اقتصادی نقش دارند. البته هدف نظریه پردازان رشد درون‌زا، عدم توجه به عامل سرمایه و فناوری نیست، بلکه آنها معتقدند هر دو این موارد از اجزای ضروری رشد می‌باشند، ولی به کارگیری مجموعه‌ای از سیاست‌ها در کنار سرمایه و فناوری، نرخ رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. الگوهای جدید رشد، دیدگاه‌ها و الزامات سیاستی جهت تحقق یک رشد پایدار را توسعه سرمایه انسانی، افزایش تحقیق و توسعه، ارتقاء بهره‌وری و سیاست‌های کارآمد اقتصادی می‌دانند. به عبارت دیگر بر مبنای این مطالعات، مجموعه‌ای از سازوکارها رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، که در این مجموعه غیر از عوامل اولیه تابع تولید، متغیرهای دیگری نیز همچون مالیات‌ها و بخصوص بی‌ثباتی آنها دخیل هستند.

در ادبیات اقتصادی متغیر یا وضعیت مشخصی برای بی‌ثباتی تعریف نشده است. از همین رو در مطالعات اندکی که در این زمینه صورت گرفته است، روش‌های مختلفی برای شناخت وضعیت بی‌ثباتی در سیاست در نظر گرفته شده است. نامشخص بودن رفتارهای سیاست‌گذاران در انتخاب اهداف و یا ابزارهای مورد استفاده را می‌توان نشانه‌ای از بی‌ثباتی در نظر گرفت. در این حالت می‌توان تعداد تصمیماتی که در یک دوره معین توسط سیاست‌گذاران اتخاذ می‌شود را به عنوان شاخص معرف بی

1 - Research and Development (R&D)

2 - Tax Expenditures

3 - Martin and Fardmanesh

4 - Scully

ثباتی در نظر گرفت، و یا در برخی مطالعات از طریق تعیین واریانس متغیرهای هدف سیاست‌گذاران مانند، بودجه دولت و یا حجم پول به صورت غیر مستقیم اقدام به شاخص سازی ناطمینانی در سیاست‌های اقتصادی می‌گردد.

این پژوهش بدنبال تحلیل تأثیر بی ثباتی مالیات‌های دریافتی دولت از شرکت‌ها بر رشد اقتصادی می‌باشد. برای رسیدن به هدف ابتدا مبانی نظری و در ادامه ارتباط مالیات با رشد اقتصادی آورده می‌شود. بر اساس مبانی نظری ارائه شده، مدل و داده‌های مربوطه در بخش بعدی ارائه می‌گردد. پس از آن آزمون‌ها و برآورد مدل آورده خواهد شد و نهایتاً نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

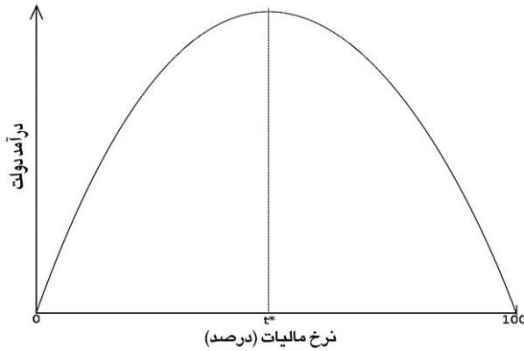
۲- مبانی نظری

امروزه توافق همه‌ی اقتصاد دانان بر دخالت دولت است و اختلاف‌ها فقط در خصوص میزان دخالت- هاست و مالیات‌ها نیز به عنوان اولین گام دخالت دولت در اقتصاد محسوب می‌شود. لازم به یادآوری است که انگیزه اصلی در وضع مالیات‌ها در همه کشورها اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، تأمین مالی بخش عمومی و کمک به اجرای اهداف عمومی و خدمات اجتماعی است. انگیزه‌های ثانویه، توزیع مجدد درآمدها و سیاست‌های مالی است. چنانچه منبع تأمین مالی دولت یا مالیات‌ها با نوسان و بی‌ثباتی روبرو باشد، هزینه‌های دولت از جمله مخارج سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی نیز کاهش می‌یابد. تنوع بخشی مالیات‌ها، تغییر در سهم مالیات‌های مختلف مالیاتی از جمله مالیات‌های غیرمستقیم و نسبت مالیات بر تولید از عواملی است که می‌تواند باعث نوسان درآمد‌های مالیاتی دولت شده و از طریق آن بر رشد نیز موثر افتد (شفیعی، برومند و تشکینی، ۱۳۸۵).

در ادبیات اقتصادی خلاصه آثار اقتصادی مالیات بندی به صورت زیر بیان شده است: مالیات بندی، به عنوان عامل تأثیرگذار منفی بر پس‌انداز بیان شده است. بعضی از اقتصاددانان، مالیات بر منافع را به منزله مالیات بر ابتکار و تصدی اقتصادی تلقی می‌کنند و از این جهت آن را مانع رشد اقتصادی می‌دانند. حال چاره‌ی این مشکل را می‌توان در تغییر سیاست‌های اقتصادی جستجو کرد و یکی از مکانیزم‌های مهمی که در این میان نقش اساسی ایفا می‌کند عملکرد سیستم مالیاتی است. سیستم مالیاتی به وسیله قوانین مالیاتی می‌تواند اثر مستقیم بر شکل‌گیری و جهت‌دهی سرمایه‌های انباشت شده در دست مردم داشته باشد. در چنین مجموعه‌ای، مالیات‌ها می‌بایست یکی از ابزارهای اساسی در جهت تبدیل پس‌انداز به سرمایه‌گذاری باشد. اگر سیستم مالیاتی بتواند موجب افزایش میل به پس‌انداز سود گردد، تشکیل سرمایه از رشد بالاتری برخوردار خواهد شد (معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۴).

از جمله نظریه‌های مرتبط با مالیات و رشد اقتصادی منحنی برگرفته شده از منحنی اولیه لافر می‌باشد منحنی لافر نشان می‌دهد در صورتی که نرخ مالیات از یک حد معقول و معین بالاتر رود منجر به عدم تحقق هدف دولت خواهد گردید. به این صورت که دولت در نظر دارد از طریق افزایش نرخ‌های

مالیاتی به کسب درآمد بیشتری نائل گردد، اما تجربه نشان می‌دهد که پس از حصول به نرخ معینی، درآمد دولت (ناشی از مالیات) حتی کاهش پیدا می‌کند که این ارتباط بین نرخ مالیات و درآمد حاصل از مالیات به منحنی لافر^۱ (شکل ۱) معروف است (موسوی محسنی و نوروزی، ۱۳۹۰).



شکل ۱: منحنی لافر

در عمده کشورهای جهان، مالیات بر شرکت‌ها بخش قابل توجهی از درآمد مالیاتی دولت را تشکیل می‌دهد. با پیشرفت حرکت صنعتی شدن و گسترش تجارت و ابعاد بنگاه‌های تولیدی، به دلایلی چون نیاز به حجم بسیار زیاد سرمایه‌گذاری و افزایش ریسک در فعالیت‌های تولیدی، بنگاه‌های اقتصادی در قالب شکل قانونی، شرکت‌ها به فعالیت پرداختند. به نظر عده‌ی زیادی از اقتصاددانان، شرکت، یکی از راه‌هایی است که افراد مالکیت بر دارایی‌ها را بدست می‌آورند. در نتیجه، مالیات بر درآمد شرکت‌ها مانند مالیات بر درآمد صاحبان شرکت‌ها است. اگر عوامل تولید از بخش شرکت‌ها به غیر شرکت‌ها بتوانند جا به جا شوند، مالیات به کل اقتصاد منتقل می‌شود. از طرف دیگر، چون در عمده کشورها مالیات بر مجموع درآمدها وجود دارد، مالیات بر شرکت‌ها یک مالیات مضاعف محسوب خواهد شد (عرب مازار، ۱۳۸۸، ۵۵).

بنگاه‌ها در تصمیم‌گیری مسائل مختلف اقتصادی خود مانند: تولید، اشتغال، کارایی، قیمت‌ها و سایر عوامل مالیات‌ها را در نظر می‌گیرند. از دیدگاه اقتصادی، بهترین نظام مالیاتی نظامی است که دارای

مطلوب‌ترین آثار اقتصادی باشد یا این که آثار نامساعد اقتصادی را به حداقل برساند. مالیات‌ها از طریق اعطای معافیت‌های خاص و یا وضع حقوق گمرکی بر کالاهای خاص می‌توانند بر تولید و اشتغال موثر باشند. همچنین مالیات بر درآمد، از طریق تأثیر گذاری بر توان خرید مصرف‌کنندگان، بر قیمت‌ها موثر بوده و از طریق انتقال بار مالیاتی باعث تورم گردد. از طرف دیگر، هنگام وصول مالیات، احتمال کاهش کارایی اقتصاد به دلیل پایین بودن کارایی سیستم مالیاتی و عدم ارتباط صحیح میان بخش‌های مختلف اقتصادی، وجود دارد (مهرگان، ۱۳۸۲). بالا بودن نرخ‌های مالیاتی، به کارایی اقتصادی در بنگاه‌ها صدمه رسانده و باعث کاهش رشد اقتصادی می‌گردد (اسکولی، ۲۰۰۶).

۳- مالیات و رشد اقتصادی

ادبیات اقتصادی اصل وجودی مالیات‌ها را باعث کاهش رشد اقتصادی معرفی می‌نماید. ولی، دریافت مالیات توسط دولت و خرج آن بابت سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی و فزونی ضریب فزاینده مخارج دولت نسبت به مالیات‌ها باعث می‌گردد که نتیجه‌ی نهایی دریافت مالیات بر اقتصاد مثبت باشد. اما اقتصاد تا نرخ مشخصی از مالیات می‌تواند رشد مثبتی را تجربه نماید و لذا نرخ‌های بالای مالیاتی می‌توانند با حذف اثر مثبت ضریب فزاینده‌ی مخارج دولت، باعث کاهش رشد اقتصادی می‌گردد (اسکولی، ۱۹۹۵). لذا با وجود اثر منفی مالیات‌ها بر رشد اقتصادی می‌توان نرخ مالیات بهینه‌ای را تعیین نمود که رشد اقتصادی مطلوب را به همراه داشته باشد (رجبی و همکاران، ۱۳۸۸).

مالیات با تأثیرگذاری بر بازدهی سرمایه‌گذاری فیزیکی، می‌تواند بر تصمیم‌گیری اقتصادی و در نهایت، بر نرخ رشد اقتصادی تأثیر بگذارد. همچنین به‌عنوان یک ابزار سیاست مالی از طرق مختلفی از جمله تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها، تأثیر بر انباشت عوامل تولید، از جمله سرمایه انسانی و همچنین سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه^۱ بر رشد اقتصادی مؤثر خواهد بود.

در نتیجه‌ی به کارگیری ابزار مالیاتی از سوی دولت، بسیاری از بنگاه‌ها در تصمیمات تخصیصی خود ناچار به تجدید نظر خواهند بود. مالیات‌ها می‌توانند با افزایش هزینه‌های تولید انگیزه فعالان اقتصادی را برای شروع یک فعالیت یا ادامه آن کاهش داده و یا زمینه فرار مالیاتی را فراهم کنند. بر همین اساس نحوه اعمال نرخ‌های مالیاتی و نحوه اجرای قانون مالیاتی برای صنعت‌گران و تولیدکنندگان اهمیت خاصی داشته و کاستی و نقص در این زمینه می‌تواند اثرات زیان‌باری را برای تولید در پی داشته

باشد. ثابت شده است که در ۷۰ کشور، مالیات بر شرکت‌ها باعث کاهش رشد اقتصادی گردیده است (گوردن و لی^۱، ۲۰۰۹). همچنین شواهد نشان می‌دهند که نظام مالیاتی اگر به درستی طراحی و به اجرا در نیاید می‌تواند به عنوان یکی از موانع اصلی کسب و کار عمل کند. براساس نظرسنجی بانک جهانی (۲۰۰۵) که از ۳۰ هزار بنگاه اقتصادی در ۵۳ کشور در حال توسعه به منظور تعیین اصلی‌ترین موانع کسب و کار به عمل آمده است، ۷۵ درصد پرسش‌شوندگان، نظام مالیاتی را به عنوان سومین مانع کسب و کار (بعد از عدم اطمینان نسبت به سیاست‌ها و بی‌ثباتی اقتصاد کلان) معرفی کرده‌اند (انجمن مدیران صنایع، ۱۳۸۸). براساس آخرین گزارش، فضای کسب و کار بانک جهانی نسبت مالیات بر سود بنگاه‌های اقتصادی در ایران ۱۷/۹ درصد است که نسبت به متوسط منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (۱۲/۷ درصد) بالاتر بوده و در نتیجه هزینه‌هایی را بر کارفرمایان تحمیل می‌کند. (پرخیده و تاجیک، ۱۳۸۸).

اگر مالیات‌ا‌بزاری برای اعمال کنترل اقتصادی، توزیع بهینه منابع بین مصرف و تجمع سرمایه، مهار تمایلات تورمی و ضد تورمی فرض شود، می‌توان گفت مؤثرترین سیستم مالیاتی، سیستمی است که در آن دو نوع مالیات یعنی مالیات بر مصرف و مخارج شخصی و مالیات بر هزینه‌های سرمایه‌ای وجود دارد. هدف مالیات نوع اول محدود کردن تقاضا برای کالاهای مصرفی و هدف مالیات نوع دوم محدود و متعادل کردن سرمایه‌گذاری جاری بنگاه‌های اقتصادی می‌باشد. در نگاه اول مالیات بر هزینه‌های سرمایه‌ای فاقد توجه اقتصادی و اجتماعی به نظر می‌رسد، ولی در نهایت این مالیات همان اثری را خواهد داشت که مالیات بر سود توزیع نشده بنگاه‌های اقتصادی دارد. در این نوع مالیات برای جلوگیری از کاهش سرمایه‌گذاری در اکثر سیستم‌های مالیاتی، معافیت مالیاتی سرمایه‌گذاری وجود دارد که خود این معافیت باعث پیچیدگی بیشتر سیستم می‌شود.

مالیات بر هزینه‌های سرمایه‌ای پیچیدگی سیستم مالیات بر سود توزیع نشده و معافیت‌های سرمایه‌گذاری را ندارد. لذا اگر نیاز به وجود یک عامل تنظیم‌کننده باشد، وجود چنین مالیاتی قابل توجه خواهد بود. این مالیات از نظر تنظیم‌کنندگی یک نوع ابزار کنترلی مانند سیاست تغییرات نرخ بهره است، اما کارایی بیشتری در مقایسه با سیاست تغییرات نرخ بهره دارد و می‌تواند حجم سرمایه‌گذاری

ثابت بنگاه‌های اقتصادی را کنترل کند. همچنین مالیات بر سود توزیع نشده پیچیده و از نظر ابزار کنترل بودن نامؤثر هستند. این مالیات ابزار کوتاه مدت یا ضد نوسانی غیر مؤثری برای سیاست مالی می‌باشند (مهندس و تقوی، ۱۳۸۶). نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که اثر کوتاه مدت متفاوت از اثرهای بلند مدت مالیاتی است. بطوری که اثر تغییر در مالیات‌ها بر رشد اقتصادی در کوتاهمدت موثر بوده ولی، با گذشت زمان، تأثیرگذاری آن کاهش یافته و در بلند مدت تغییر نرخ مالیاتی بر رشد اقتصادی بی تأثیر بوده است (صبری بقایی و محمدزاده اصل، ۱۳۸۲).

۴- مدل و داده‌ها

با توجه به هدف پژوهش مبنی بر تأثیر بی ثباتی درآمد‌های مالیاتی دولت، ناشی از شرکت‌ها بر رشد اقتصادی ایران، و جهت رسیدن به هدف، از روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای، ابتدا بی ثباتی درآمد مالیاتی دولت، از طریق مدلی برآورد، و از آن به عنوان متغیر مستقل در مدل رشد استفاده و اثر آن تحلیل می‌گردد.

بی ثباتی متغیرها به لحاظ اینکه باعث می‌شود موقعیت مکانی متغیر در هر زمان مشخص نباشد، اثرات نامناسبی را بسته به اهمیت متغیر می‌تواند در اقتصاد برجا گذارد. در بحث‌های مربوط به اندازه‌گیری بی ثباتی، روش کاملاً مشخصی برای آن وجود ندارد. ولی همه‌ی روش‌های ارائه شده برای اندازه‌گیری آن، در استفاده از جمله‌های پسماند و واریانس آنها، مشترک می‌باشند. در این پژوهش از برآورد جملات پسماند دو مرحله‌ای به عنوان بی ثباتی استفاده می‌شود.

از آنجا که شرایط اقتصادی شامل تولید در دوره‌های مختلف، توان پرداخت مالیات را شکل می‌دهد و از طرف دیگر بر اساس برنامه‌های توسعه، میزان مخارج و لذا درآمدهای مالیاتی نیز پیش‌بینی می‌شوند، بنابراین تولید ناخالص داخلی در دوره‌های گذشته، حال و آینده می‌تواند بر میزان درآمد مالیاتی دولت تأثیر گذار باشد. از طرف دیگر، متغیرهای کنترلی همچون قوانین تصویب شده در راستای تغییر نرخ‌های مالیاتی و یا ایجاد پایه‌های جدید مانند مالیات بر ارزش افزوده می‌تواند بر میزان درآمد مالیاتی دولت موثر باشد. لذا می‌توان درآمد مالیاتی دولت از شرکت‌ها را به صورت رابطه‌ی (۱) نوشت:

$$\ln CIT_t = f(y_t \cdot y_{t-j} \cdot y_{t+s} \cdot X_{jt}^i \cdot \eta_t) \quad (1)$$

رابطه ی (۱) را به پیروی از فریک و ساسموت^۱ (۲۰۱۴)، می‌توان به صورت به صورت رابطه ی (۲) تصریح نمود:

$$\ln CIT_t = \alpha_0 + \alpha_1 \ln y_t + \sum_{j=1}^2 \beta_j \Delta \ln y_{t-j} + \sum_{s=1}^2 \gamma_s \Delta \ln y_{t+s} + D_{VAT} + D_{INDT} + \eta_t \quad (2)$$

که در آن:

CIT_t : درآمد مالیاتی ناشی از سود شرکت‌ها و یا مالیات بر شرکت‌ها. داده‌های مربوطه از سایت بانک مرکزی ایران و برای دوره ی ۱۳۷۲ الی ۱۳۹۳ و به صورت فصلی و بر حسب میلیارد ریال جمع‌آوری شده است.

$\ln y_t$: لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه می‌باشد. علت استفاده از تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه جلوگیری از مشکل همخطی با درآمدهای مالیاتی است که در تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار وجود دارد. داده‌های مربوط به این متغیر از سایت بانک مرکزی ایران و برای دوره ی ۱۳۷۲ الی ۱۳۹۳ و به صورت فصلی و بر حسب میلیارد ریال جمع‌آوری شده است. همچنین در مدل (۲) y_{t-j} و y_{t+s} به ترتیب اثر برنامه‌های توسعه‌ای در آینده و رفتار گذشته ی اقتصاد در هر زمانی بر درآمدهای مالیاتی باشد که برای زمان‌های آینده به صورت انتظاری و پیش‌بینی بدست می‌آیند.

D_{VAT} : متغیر مجازی تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده در سال ۱۳۸۶ و اجرای آن در خرداد ماه سال ۱۳۸۷ که بر این اساس، ارزش عدد "یک" از فصل دوم سال ۱۳۸۷ به این متغیر داده شده است.

D_{INDT} : متغیر مجازی تصویب قانون "اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم" در تیرماه سال ۱۳۷۶. بنابراین متغیر فوق از فصل دوم سال ۱۳۷۶ به بعد دارای ارزش عدد "یک" و قبل از آن عدد صفر را دارا می‌باشد.

η_t : جمله ی پسماندو یا خطای معادله ی (۲) که به عنوان باقی‌مانده عوامل تأثیرگذار بر درآمد مالیاتی شرکت‌ها می‌باشد. از آنجا که در مدل (۲) عوامل شناخته شده بر درآمد مالیاتی دولت از شرکت‌ها

آورده شده است، لذا پسماند این رابطه ناشی از همه ی عوامل شناخته نشده بر متغیر تابع که موجب بی ثباتی آن می گردد خواهد بود. بنابراین به عنوان متغیر بی ثباتی در درآمد های مالیاتی ناشی از شرکت ها در نظر گرفته می شود و برآورد آن به عنوان متغیر مستقل بی ثباتی در مدل (۳) در نظر گرفته می شود.

$$\ln y_t = \theta_0 + \sum_{i=1}^n \mu_i \ln CIT_{t-i} + \sum_{s=1}^m \varphi_s \ln y_{t-s} + \sum_{j=1}^p \lambda_j INSTABILITY (\equiv \hat{\eta})_{t-j} + \varepsilon_t \quad (3)$$

ε_t : خطای معادله (۳) که دارای شرایط نرمال می باشد.

رابطه (۳) پس از آزمون های مرتبط با متغیرها و پسماندها، به روش الگوی خود رگرسیونی با وقفه های توزیعی^۱ برآورد می گردد. آزمون ها که در ادامه آورده می شود شامل مانایی، خود همبستگی و واریانس ناهمسانی می باشد. سپس آزمون های تشخیصی در رابطه با پسماندهای معادله (۳)، استخراج شده از روش خودرگرسیونی با وقفه های توزیعی آورده خواهد شد.

۵- آزمون ها و برآورد مدل

قبل از برآورد مدل (۲) و جهت جلوگیری از رگرسیون کاذب، مانایی متغیرها مورد آزمون قرار گرفت که نتیجه ی آن در جدول (۱) آورده شده است و نشان می دهد متغیرهای مدل در سطح مانا می باشند.

جدول ۱: مانایی متغیرهای مدل

نام متغیر	نماد	مقدار آماره	مقدار احتمال	نتیجه
لگاریتم درآمد مالیات بر شرکت ها	LCIT I(0)	-۶/۹۹۳	۰/۰۰۰	مانا
لگاریتم تولید ناخالص داخلی	LY	-۶/۷۵۲	۰/۰۰۰	مانا I(0)

منبع: یافته های پژوهش.

همانطور که ذکر گردید در مدل (۲) به عنوان یک مدل پایه ای، عوامل تأثیر گذار بر درآمد مالیاتی شرکت ها مورد بررسی قرار گرفته و پسماندهای آن به عنوان تأثیر سایر عوامل که موجب بی ثباتی آنرا

فراهم می‌کند در نظر گرفته می‌شود. لذا برای برآورد پسماندهای مدل (۲) و یا همان متغیر بی‌ثباتی درآمدهای مالیاتی دولت ناشی از شرکت‌ها، مدل (۲) به روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآورد که نتیجه‌های آن در جدول (۲) آورده شده است. با توجه به نتیجه‌ی برآوردها، مدل دارای رفتار مناسب بوده و ضریب متغیرها دارای علامت مورد انتظار و از نظر آماری معنی‌دار می‌باشند.

جدول ۲: نتیجه‌ی برآورد مدل (۲) برای درآمد مالیاتی ناشی از شرکت‌ها

ضریب متغیرهای مستقل					نام متغیر وابسته
متغیر مجازی	متغیر رشد	متغیر رشد	متغیر رشد	متغیر مجازی	قانون ارزش افزوده
قانون مالیات‌های	تولید با یک	تولید با دو	تولید با یک	رشد تولید	نماد متغیر مستقل
مستقیم	دوره پیش‌بینی	دوره تأخیر	دوره تأخیر	افزوده	D_{VAT}
D_{INDT}	Δlny_{t+1}	Δlny_{t-2}	Δlny_{t-1}	lny_t	LCIT
۰/۶۳۳	-۰/۸۸۲	۰/۷۶۶	-۰/۸۷۱	۱/۶۳۷	۰/۷۳۸
(۳/۶۳)	(۵/۱۹)	(-۳/۵۹)	(۳/۱۲)	(-۳/۹۴)	(۶/۶۶)
					(آماره t)

منبع: یافته‌های پژوهش.

نتیجه جدول (۲) نشان می‌دهد که ضریب متغیر مجازی قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده دارای علامت مورد انتظار و معنی‌دار می‌باشد. آزمون‌های تشخیصی مدل (۲) در جدول (۳) آورده شده است و نشان می‌دهد که خود همبستگی و واریانس ناهمسانی وجود ندارد. معنی‌داری ضریب‌ها و عدم وجود خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی در مدل (۲) نشان می‌دهد که جمله‌ی پسماند دارای فروض نرمال بوده، و بدلیل اینکه جمله‌ی پسماند اثر همه‌ی عوامل ناشناخته و بی‌ثبات کننده‌ی درآمد مالیاتی می‌باشد لذا، جمله‌ی اخلاص این معادله به عنوان متغیر بی‌ثباتی درآمد مالیاتی دولت ناشی از شرکت‌ها محاسبه و جهت رسیدن به هدف پژوهش، به عنوان متغیر مستقل در مدل (۳) وارد و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بکارگیری متغیر بی‌ثباتی در معادله‌ی رش، نیازمند بررسی مانایی متغیر جدید می‌باشد. ولی از آنجا که متغیرهای مستقل رابطه‌ی (۲) مانا بودند لذا حطاهای آن نیز مانا می‌باشد و بنابراین لزومی به آزمون مانایی متغیر بی‌ثباتی برای معادله‌ی (۳) نمی‌باشد.

جدول ۳: آزمون های تشخیصی مدل (۲)

نوع آزمون	نماد	آماره محاسبه شده	(درجه آزادی)	(میزان احتمال)
۱- آزمون عدم وجود خود همبستگی خطاها (آماره F):		۲/۸۴۹	F(1,77)	(۰/۰۹۵۵)
Breusch-Godfrey LM Test				
نتیجه ی آزمون:				
عدم رد H_0 . نتیجه: عدم وجود خود همبستگی بین خطاها				
۲- آزمون عدم وجود ناهمسانی واریانس (آماره F):		۰/۷۷۶	F(7,77)	(۰/۶۰۹۳)
Heteroskedasticity Test: White				
نتیجه ی آزمون:				
عدم رد H_0 . نتیجه: وجود همسانی واریانس بین خطاها				

منبع: یافته های پژوهش.

جهت تحلیل تأثیر بی ثباتی درآمد مالیاتی ناشی از شرکت ها بر رشد، مدل (۳) با متغیر برآوردی بی ثباتی به روش مدل های خود رگرسیون با وقفه های توزیعی برآورد می گردد. نتیجه ی کوتاه مدت مدل در جدول شماره ی (۴) آورده شده است.

جدول ۴: نتیجه برآورد الگوی کوتاه مدت (۳) برای درآمد مالیاتی از روش ARDL(5,2,4)

متغیر تابع: رشد تولید ناخالص داخلی		نماد	متغیر مستقل
ضریب برآوردی	آماره ی (t)		
۰/۳۵۹	(۳/۵۱۵)	DLY(-1)	لگاریتم تولید با یک تأخیر
-۰/۴۳۵	(-۶/۱۸)	DLY(-2)	لگاریتم تولید با دو تأخیر
۰/۰۹۶	(۱/۲۹)	DLY(-3)	لگاریتم تولید با سه تأخیر
۰/۱۷۳	(۲/۶۷)	DLY(-4)	لگاریتم تولید با چهار تأخیر
۰/۱۷۷	(۵/۸۵)	DLCIT	لگاریتم درآمد مالیاتی
-۰/۱۴۰	(-۲/۸۰)	DLCIT(-1)	لگاریتم درآمد مالیاتی با یک تأخیر
۰/۱۵۵	(۵/۳۷)	DINSTABILITY	بی ثباتی درآمد مالیاتی
۰/۰۵۵	(۱/۶۰)	DINSTABILITY(-1)	بی ثباتی درآمد مالیاتی با یک تأخیر
۰/۰۴۱	(۱/۵۰)	DINSTABILITY(-2)	بی ثباتی درآمد مالیاتی با دو تأخیر
-۰/۰۷۸	(-۳/۲۴)	DINSTABILITY(-3)	بی ثباتی درآمد مالیاتی با سه تأخیر
۲/۹۵۱	(۳/۹۰)	C	عرض از مبدأ
-۰/۲۳۳	(-۳/۳۵)	CointeEq(-1))	ضریب تبدیل کوتاه مدت

منبع: یافته های پژوهش.

نتیجه نشان از اثرهای سیکلی تولید ناخالص داخلی در کوتاه مدت داشته و از آنجا که داده‌ها به صورت فصلی می‌باشند این اثرها قابل انتظار می‌باشد. تغییر درآمد‌های مالیاتی به صورت همزمان و در همان دوره اثر مثبت و معنی داری را بر رشد نشان می‌دهد و ناشی از زمینه‌های افزایش درآمد شرکت‌ها و توانایی پرداخت می‌باشد که نتیجه‌ی آن رشد تولید می‌باشد. ولی، تغییرات مالیات‌ها در دوره‌های قبل اثر منفی داشته که ناشی از افزایش هزینه‌های شرکت‌ها و بدنبال آن کاهش رشد را بدنبال دارد.

رفتار متغیر بی‌ثباتی درآمد‌های مالیاتی نشان از آن دارد که در مجموع و در یک دوره‌ی یک ساله و کوتاه مدت اثر مثبت بر رشد را نشان می‌دهد. تغییرات مثبت درآمد‌های مالیاتی در ابتدا منبع تأمین مالی دولت را فراهم آورده و انتظار رشد بیشتر را فراهم می‌نماید. ولی، در ارتباط با نحوه‌ی هزینه‌های آن توسط دولت و گذشت سه دوره، آثار منفی آن ظاهر گشته و ضریب آنها منفی و از نظر آماری نیز معنی دار می‌باشد.

ضریب مدل تصحیح خطا^۱ منفی، کوچکتر از یک و از لحاظ آماری معنی دار می‌باشد. منفی بودن آن نشان از کاهش خطا در هر دوره هنگام حرکت متغیر به سمت مقدار تعادلی بلند مدت می‌باشد. مقدار و کوچکتر از یک بودن آن، نشان همگرایی مدل به سمت بلند مدت پس از حدود کمی بیش از ۴ دوره خواهد بود.

پس از برآورد کوتاه مدت مدل (۳) و معنی داری جمله‌ی تصحیح خطا، امکان وجود رابطه‌ی بلند مدت را باید آزمون نمود. این آزمون توسط پسران و شین و جدول مربوط به F کراندار انجام می‌پذیرد که نتیجه‌ی آن در جدول (۵) نشان می‌دهد. با توجه به اینکه آزمون مربوط به وجود رابطه‌ی بلند مدت می‌باشد، لا آزمون فوق با وجود متغیر روند زمانی انجام گرفت. نتیجه‌ی آزمون وجود حداقل یک رابطه‌ی بلند مدت بین متغیرهای مدل (۳) می‌باشد. با توجه به مقدار آماره‌ی محاسبه شده وجود رابطه‌ی بلند مدت تأیید می‌گردد. زیرا آماره‌ی محاسبه شده برای F از کران بالایی جدول پسران و شین نیز در سطح ۹۵٪ بالاتر می‌باشد.

پس از اطمینان از وجود رابطه‌ی بلند مدت، اثر بی‌ثباتی درآمد مالیاتی دولت ناشی از شرکت‌ها بر رشد اقتصادی برآورد و نتیجه‌ی آن در جدول (۶) آورده شده است. نتیجه‌ی بلند مدت نشان می‌دهد که بی‌ثباتی درآمد مالیاتی بر رشد اقتصادی اثر منفی و معنی داری داشته است.

¹ -Error Correction Model (ECM).

جدول (۵): آزمون F کراندار مدل (۳) برای درآمد مالیاتی از روش ARDL

نوع آزمون	نماد	آماره محاسبه شده F کراندار	آماره کرانه پایین در سطح ۹۵٪	آماره کرانه ی بالا در سطح ۹۵٪
آزمون عدم وجود رابطه بلند مدت (آماره F):	Bounds Test	۴/۰۹۵	۳/۸۸	۴/۰۲
نتیجه ی آزمون:		رد Ho و وجود رابطه بلند مدت		

منبع: یافته های پژوهش.

جدول ۶: نتیجه ی بلند مدت برآورد مدل (۳) برای درآمد مالیاتی از روش ARDL

متغیر مستقل	نماد	متغیر تابع: رشد تولید ناخالص داخلی
		ضریب برآوردی
رشد درآمد مالیاتی	LCIT	-۰/۳۵۵
بی ثباتی درآمد مالیاتی	INSTABILITY	-۰/۶۴۱
ضریب روند	@TREND	۰/۰۷۳

منبع: یافته های پژوهش.

ضریب بی ثباتی درآمدهای مالیاتی دارای علامت مورد انتظار می باشد. هرگاه به دلالتی از قبیل رکود و یا فرار مالیاتی شرکت ها، درآمدهای دولت ناشی از مالیات بر شرکت ها، با نوسان و بی ثباتی روبرو گردد، دولت مجبور به تعدیل در هزینه ها و برنامه های خود خواهد بود. این تعدیل می تواند سرمایه گذاری های دولت را تحت تأثیر قرار داده و لذا رشد اقتصادی کاهش خواهد یافت.

از طرف دیگر بر اساس نظریه های اقتصادی، افزایش مالیات ها و رشد درآمدهای مالیاتی دولت، آثار منفی خود را بر تولید خواهد گذاشت که علامت منفی ضریب این متغیر و معنی داری آن در بلند مدت گواه بر این مسئله است. ولی افزایش تولید در طول زمان و لذا افزایش متناسب درآمدهای مالیاتی، اثر مثبت روند را با توجه به معنی داری ضریب روند، تأیید می نماید.

جهت اطمینان از نتیجه ی برآورد بلندمدت مدل (۳)، آزمون های تشخیصی مرتبط با روش خودرگرسیون با وقفه های توزیعی، در جدول (۷) آورده شده است.

جدول ۷: آزمون‌های تشخیصی مدل (۳) برای درآمد مالیاتی از روش ARDL

نوع آزمون	نماد	آماره محاسبه شده	(درجه آزادی)	(میزان احتمال)
۱- آزمون عدم وجود خود همبستگی خطاها (آماره F): Breusch-Godfrey LM Test		۰/۲۵۵	F(2,64)	(۰/۷۷۵۴)
خطاها نتیجه ی آزمون:				
۲- آزمون عدم وجود ناهمسانی واریانس (آماره F): Heteroskedasticity Test: Harvey		۱/۲۱۱۶	F(14,66)	(۰/۲۸۸۵)
خطاها نتیجه ی آزمون:				
۳- آزمون تورش تصریح مدل Ramsey RESET Test		۱/۹۴۹	F(1,64)	(۰/۰۵۵۶)
خطاها نتیجه ی آزمون:				
۴- آزمون نرمالیتی (چارکو - برا): Jurque - Bera Normality Test		۴/۲۹۸	-	(۰/۱۱۶۷)
مدل نتیجه ی آزمون:				

منبع: یافته‌های پژوهش.

فرضیه‌ی صفر آزمون‌های: عدم وجود همبستگی، عدم وجود ناهمسانی واریانس و نرمال نبودن بین خطاهای معادله‌ی بلند مدت می‌باشد. با توجه به آماره‌ی محاسبه شده و مقدار بحرانی جدول، فرضیه صفر کلیه‌ی آزمون‌ها را نمی‌توان رد نمود و لذا مدل بدون همبستگی، دارای واریانس همسانی و همچنین شرط نرمال بودن در خطاها می‌باشد که نشان از خوبی برازش مدل فوق و اطمینان به ضرایب دارد.

۶- نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، تحلیل تأثیر بی‌ثباتی درآمدهای مالیاتی دولت ناشی از شرکت‌ها که بیشترین سهم را در درآمدهای مالیاتی دولت دارد، می‌باشد. بی‌ثباتی درآمدهای مالیاتی دولت می‌تواند ناشی از شرایط اقتصادی مانند رکود و یا موارد مختلف اجتناب مالیاتی و نهایتاً فرار مالیاتی شرکت‌ها باشد. برای رسیدن به هدف در مدلی تأثیر متغیرهای موثر بر درآمد مالیاتی شرکت‌ها به روش حد اقل مربعات

تعمیم یافته، مورد برآزش قرار گرفت و خطاهای این مدل به عنوان اثر عواملی که باعث نوسان و بی ثباتی این متغیر می گردند، در نظر گرفته شد. متغیر بی ثباتی محاسبه شده به عنوان یک متغیر مستقل، در مدل دیگری که عوامل موثر بر رشد را تحلیل می نماید، به روش مدل های خود رگرسیونی با وقفه های توزیعی جهت تفکیک اثرهای کوتاه مدت و بلند مدت بی ثباتی درآمد مالیاتی، برآزش گردید. نتیجه ی مدل در کوتاه مدت نشان از رفتار ناهمگون درآمد مالیاتی بر رشد دارد. از آنجا که داده های مدل به صورت فصلی می باشند، بی ثباتی درآمدهای مالیاتی در فصل های بعد از ایجاد آن تا سه فصل اثر مثبت و معنی دار را نشان می دهد. این مسئله ناشی از محاسبات دولت در زمان های دریافت درآمد مالیاتی از شرکت ها می باشد که معمولاً پس از سال مالی و بر اساس توافق به صورت اقساط پرداخت می گردد. ولی، وجود ناکارآیی در دولت، عدم وصول به موقع درآمد ها و اختصاص آنها به هزینه های جاری، اثر کاهشی خود را پس از یک سال نشان می دهد.

نتیجه ی بلند مدت ناشی از اثر منفی بی ثباتی درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی است که با کارهای رجبی و همکاران (۱۳۸۸) و گوردن و لی (۲۰۰۹) و فریک و ساسموث (۲۰۱۳) همخوانی دارد. بی ثباتی در درآمدهای مالیاتی دولت، برنامه های دولت را در سرمایه گذاری زیر بنایی با مشکل مواجه می سازد. از آنجا که دولت، مجبور به پرداخت هزینه های جاری است، کاهش های موردی درآمدهای مالیاتی باعث می گردد که دولت در مواجهه با آن بودجه های عمرانی و هزینه های سرمایه گذاری زیر بنایی خود را که اثر فزاینده ای بر رشد دارند، حذف نموده و هزینه های جاری را که اثرهای کاهنده بر تولید خواهد داشت را اولویت بخشد. از طرف دیگر در مفهوم بلند مدت و رشد اقتصاد، متناسب با افزایش تولید، درآمدهای مالیاتی دولت نیز افزایش می یابد که ضریب مثبت و معنی دار روند، تأییدی بر این موضوع می باشد. جهت مقابله با این مشکل، گرچه دولت طرح جامع مالیاتی را در دست اقدام دارد ولی، رکود حاکم بر اقتصاد، عدم کارآمدی دولت و افزایش هزینه های جاری بی ثباتی را بیشتر و باعث کاهش رشد می گردد. این مسئله به همراه مشکلات قانونی که فرار مالیاتی شرکت ها از طریق عدم شفافیت در ارائه ی اطلاعات و داشتن دو دفتر ایجاد می نماید، در کوتاه مدت، نگرش به درون از طریق افزایش کارایی سازمان مالیات و اصلاح قوانین و در بلند مدت کاهش حجم، تصدی گری و اندازه ی دولت را می طلبد.

منابع

انجمن مدیران صنایع، مطالعه و بررسی فضای کسب و کار و ارائه برنامه عمل جهت بهبود آن در ایران،

پرخیده، احمد و تاجیک، مهدی. (۱۳۸۸). "درآمدهای مالیاتی و چالش‌های پیش‌رو در اقتصاد ایران". طرح نظرسنجی ماهیانه مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی ایران از اعضای هیأت نمایندگان. رجبی، مصطفی، رنجبر، همایون و جعفری طادی، مولود. (۱۳۸۸). "تحلیل اثر مالیات بر رشد اقتصادی ایران، ۸۶-۱۳۷۰". اولین همایش ملی اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، اسفند ۱۳۸۸.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مجموعه اطلاعات سری زمانی آمارهای اقتصادی اجتماعی، سال‌های مختلف.

شفیعی، افسانه، برومند، شهزاد و تشکینی، احمد. (۱۳۸۵). "آزمون تأثیر گذاری سیاست مالی بر رشد اقتصادی". فصل‌نامه پژوهش‌نامه اقتصادی، ۳۳ (۵): ۱۸۱-۱۵۳.

شفیعی، س، و صبوری دیلمی، م (۱۳۸۸)، "بررسی میزان اثر پذیری متغیرهای کلان اقتصاد ایران از بحران مالی

جهانی"، بررسی‌های بازرگانی، سال هفتم شماره ۳۹، صص ۱۶-۲.

صبوری بقایی، آذرخش و محمد زاده اصل، نازی. (۱۳۸۲). "شناخت جنبه‌های مختلف اثر بخشی مالیات در اقتصاد ایران". فصل‌نامه پژوهش‌نامه اقتصادی، ۸ (۴): ۱۹۸-۱۷۳.

عرب مازار، علی اکبر، دهقانی. علی، (۱۳۸۸)، "برآورد کارایی مالیات بر درآمد مشاغل و اشخاص حقوقی"، پژوهشنامه مالیات: دوره دوره جدید - ۱۷، شماره ۷ (مسلسل ۵۵)؛ از صفحه ۴۵ تا صفحه ۶۴.

مجتهد، احمد و احمدیان، ا، (۱۳۸۶)، "اثر درآمدهای مالیاتی دولت بر رفاه اجتماعی ایران"، ویژه‌نامه اقتصادی،

شماره ۷، ۴۵-۷۱.

معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۴. بررسی ظرفیت مالیاتی کشور، نشریه ۲۲۴.

موسوی محسنی، رضا، نوروزی، هایده، (۱۳۹۰). "برآورد تجربی مالیات تورمی و سطوح منحنی لافر: مطالعه موردی اقتصاد ایران"، پژوهشنامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۴۲.

مهرگان، نادر. (۱۳۸۲). "برآورد ظرفیت مالیاتی در استان همدان در سال ۱۳۸۲". سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان.

مهندس، ابوطالب و تقوی، مهدی. (۱۳۸۶). "مالیه عمومی". تهران، انتشارات کتابخانه فروردین. چاپ بیستم.
 نو فرستی، محمد (۱۳۷۸) "ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی"، تهران، انتشارات رسا.

Bera, A. K., & Jarque, C. M. (1981). An Efficient Large-Sample Test for Normality of Observations and Regression Residuals, working papers in Economics and Econometrics, (40), Australian National University in Econometrics.

Fricke, H. and Süßmuth, B.(2014). Growth and Volatility of Tax Revenues in Latin America. World Development Vol. 54, pp. 114–138.

Gordon, R., & Li, W. (2009). "Tax structures in developing countries: Many Puzzles and a possible explanation". Journal of Public Economics,93, 855–866.

Hans, F. and Brand, S. (2014). "Growth and Volatility of Tax Revenues in Latin America". World Development, Vol. 54, pp:114-138.

Martin, R. and Fardmanesh, M. 1991. "Economic growth and alternative deficit-reducing tax increases and expenditure cuts: a cross sectional analysis". Public Choice-ce- 223- 231.

Pesaran. H & Shin. Y& Smith. R. (2001), Bounds Testing Approaches o The Analysis of Level Relationships', Journal of Applied Econometrics.

Romer, P. M. (1987)."Growth based on increasing returns to specialization". American Economic Review, Papers and Proceedings, 2(77), pp: 56-72.

Scully, G.W. (1995)."The growth tax in the United Stats". Public choice, 85(12), pp: 71-80.

Scully, G.W. (2006)."Taxes and economic growth". National Center for Policy Analysis, 292.